

## بتِ عیّار!

زندگی مشترک یک والس است. گاه مرد  
زن را هدایت می کند و گاه زن مرد را!

«ناز»

خشم بگرفته به من یار جفا کار هنوز!  
بسته لب از سخن و خنده و گفتار هنوز!

تا دل تنگ مرا بیشتر آزار دهد  
گشته سنگین دل و مغرور و ستمکار هنوز!

به دل خویش بگفتم نشود دیگر رام!  
خنده زد گفت: «بکن ناله و اصرار هنوز!

دل قوی دار و مده ترس به خود از نگهش  
گر که هستی ز صفا طالب دیدار هنوز!

خنده زن پیش رخس، بوسه رُبا از دو لبش  
گو که او هست برایت بت عیّار هنوز!»

پیش خوبان همه جا گشت زدیم از هوسی  
همچو او هیچ ندیدیم دل آزار هنوز!

نتوانم که کشم دست خود از دامن او  
دوستش دارم و می خواهمش بسیار هنوز!

دل به دریا زخم و سر به سرش بگذارم  
دانم او هم به نهان هست خریدار هنوز!

رضا شاپوریان

شنبه ۶ جون ۱۹۹۸